زبان فارسی در ترکستان (2)

عرفان، محمود

قبل از اینکه چگونگی زبان فارسی را در ترکستان‏ امروز بیان نمائیم لازم است بگوئیم که ترکستان‏ سابق امروز بشش جمهوریت ترکمانستان،اوزبکستان‏ قزاقستان،تاجیگستان،قرقیزستان و قراقلپاق تقسیم‏ گردیده و تناریخ حایرانیان قدیمی که امروز مقیم سمرقند و بخارا و داخل جمهوریت‏ تاجیکستان میباشند از اینقرار است:-

ناحیهء(آخال)تا صد و پنجاه سال قبل هنوز یکی از ایالات‏ ایران بود و روسها بر آن استیلا نداشتند شهر مرو که اکنون در جمهوریت ترکمانستان داخل اس تمعمورترین شهرهای آخال بشمار میآید و سکنه‏اش دارای ثروت بودند.از این جهة گاه خان(خیوه)و گاه‏ امیر(بخارا)بقصد تصرف مرو بسوی آن هجوم و حمله میکردند و غالبا شمست نصیب آنها میگردید.

در سال هزار و دویست هجری که بیرامعلی خان از طرف دولت‏ ایران حکومت مرو را داشت شاهمراد خان امیر بخارا با لشکری انبوه‏ بمرو حمله کرد و برای بیچاره ساختن اهالی شهر«بند سلطان»را که واسطهء شرب اهالی مرو بود خراب کرد و شهر بی‏آب باقی ماند. ولی با این بی‏آبی قشون ایران که داخل شهر و مشغول مدافعه بودند تا شش ماه مقاومت کردند بالاخره بشرایط چندی مجبور بتسلیم گردیدند. یکی از شرائط مهم آن بود که امیر بخارا بیرامعلی خان حاکم مرو را امان دهد تا با جمیع لشکریان ایرانی که قریب چهل هزار نفر بودند بایران مراجعت نمایند.پس از تصرف شهر و گرفتن اسلحهء قشون ایران امیر بخارا پیمان خویش را شکست و بیرامعلی خان را ببدترین شکلی کشت‏ و میرزا حسینخان پسر او را با تمام قشون ایران اسیر کرده ببخارا آورد.

این کار زشت ایرانیان اسیر را نسبت بامیر بخارا بس کینه توز ساخت بطوری که همگی بقتل امیر پیمان بستند و اجراء آنرا بروز جمعه‏ که امیر بمسجد جامع میآمد قرار گذاردند.یکنفر از میان آنها اینکار را صواب ندانست و نتیجه‏اش را بسیار وخیم دیده امیر را آگاه ساخت‏ روز جمعه همینکه ایرانیان در مسجد جامع گرد آمدند محاصره و دستگیر شدند و چون آنها را کاوش کردند همگی بقصد کشتن امیر و اتباع او در زیر جامه‏های بلندیکه هنوز بخارائیها میپوشند اسلحه مختلف پنهان کرده‏ بودند.امیر بخارا همه را امر بکشتن داد و چون حکم قتل را مفتی‏ها خواستند امضا نمایند یکی از آنها قصاص قبل از جنایتار جایز نشمرد و از امضاء حکم خودداری نمود آخر الامر چنین صلاح دیدند که‏ نگذارند ایرانیان در یکجا جمع باشند بنابراین آنها را در بخارا و سایر شهرهائیکه آنزمان در تحت امارت امیر بخارا بودند تقسیم و پراکنده‏ ساختند.

اگرچه ایرانیان تا پیش از این واقعه در بخارا بحالت اسارت‏ میزیستند ولی از آن پس وضع آنها سخت‏تر گردید حتی آنها را بجای‏ گاو بگاو آهن میبستند تا زمین را شیار کنند.اینحال مدتی دوام داشت‏ تا امیر دیگر آمد و ایرانیان از فشار آسوده شدند.چون در میان بخارا خیوه-خوقند که سه دولت اسلامی ترکستان بودند همواره اختلاف‏ و رقابت وجود داشت و بمملکت یکدیگر تاخت‏وتاز میکردند.ایرانیان‏ در این زدوخوردها بحکومت بخارا کمک میکردند و مخصوصا در جنگ‏ بزرگی که لشکر خیوه تا دروازهء بخارا رسیدهد بود شجاعت و فداکاری ایرانیان باعث شد که قسمت عمده مهاجمین مقتلو و ما بقی‏ هم که فرار کردند در رود جیحون غرق شدند.بعد از این فتح و بروز صمیمیت وضع ایرانیان یکباره تغییر یافت و محبوب امیر و یاران‏ او شدند و بقدری محل اعتبار و اطمینان واقع گردیدند که امیر بخارا یک فوج مخصوص از آنان تشکیل داد و گذشته از اینکه مقامات مهمه را بآنهمه‏ تفویض کرد مقام قوشگی را که صدنارت عظمی باشد بایرانیان سپرد1

پس از استیلای روس بترکستان،ایرانیان سمرقند مجبورا از حکومت بخارا مجزّی گردیدند ولی همواره اتحاد معنوی و علاقه ملی آنها با ایرانیان بخارا برقرار بود.و تا سال 1909 مسیحی صدارت عظمی‏ و مقامات عمدهء مملکتی بایرانیان اختصاص داشت.در همان سال«آستانه‏ قلی بیک»که ارانی بود و صدارت عظمی را داشت با روسها مخالفتهای‏ سخت کرد و در نتیجه از منصب خود عزل گردیده ایرانیان باز دچار ذلت شدند.انقلاب اخیر روسیه و تشکیل جماهیر شوروی این ذلت‏ را رفع کرد و ایرانیان ترکستان با سایر اهالی تساوی حقوق پیدا کردند و کم‏کم در سمرقند و بخارا جمع گردیدند و اکنون در بخارا چهل هزار و در سمرقند بیشت هزار نفر ایرانیان قدیم که آنها را از مرو کوچانیده‏اند سکونت‏ دارند.ایرانیان بخارا و سمرقند همه شیعهء اثنا عشری هستند و بآداب ملی‏ و مذهبی خود هم از قبیل مراسم نوروز و عزاداری عاشورا رفتار مینمایند و تمام آنها اشتیاق و آرزوی مراجعت بایران دارند2

تاجیکستان و تاجیکها

شرح فوق اجمالی از تاریخ ایرانیان مروی‏ ترکستان بود که هم بفارسی سخن میگویند و هم مکاتبات و تعلیمات آنها بفارسی است‏ جمعیت انبوه دیگری نیز در ترکستان‏ هستند که زبان آنها فارسی است بلکه لغات فارسی در میان آنها بیش از ایران رایج میباشد و آنها را«تاجیک»میگویند.قسمت مهمی از سکنهء (1)تاریخ«آسیای مرکزی»تالیف میر عبد الکریم خوقندی

(2)اقبتاس از ضمیمه مراسلهء ژنرال قونسول ایران در تاشکند مورخه 24 عقرب 1302 بوزارت امور خارجه